

# سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز

## وجیهه صادقیان خوری<sup>۱</sup>

آمریکا میزان روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با کشورهای آسیای مرکزی با میزان روابط این جمهوری‌ها با تهران و دوری و نزدیکی آن می‌سنجد و سعی بر کنترل روابط این کشورها با ایران دارد. از جهت اقتصادی اعمال شیوه‌های پاداش و تنبیه و مجازاتهای غیرخشونت‌آمیزی دیگر از اهرمهای نفوذ سیاست خارجی آمریکاست. این کشور با اعمال مجازاتهای اقتصادی و عدم همکاری با کشورهای غیرهمراه و دادن کمکهای اقتصادی و عدم ایجاد مانع در سرمایه‌گذاری کشورهای همراه، جمهوری‌های منطقه را به عدم همکاری با ایران تشویق می‌کند. مانع‌تراشی در راه احداث و استفاده از خطوط لوله‌ای که از ایران می‌گذرد نمونه واضح این جهت‌گیری‌های سیاسی است.

## مقدمه

با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای جدید در آسیای مرکزی، آمریکا خود را با وضعیت جدیدی مواجه دید. اگرچه سیاست خارجی آمریکا طی بیش از ۴۵ سال رقابت با شوروی سابق به‌عنوان قطب رقیب در دوران طولانی جنگ سرد گام سخت و گام انعطاف‌پذیر و با اهداف و اولویتهای معینی تبیین و ترسیم شده بود؛ اما سناریوی جغرافیای سیاسی کنونی تفاوت زیادی با گذشته دارد. عده‌ای از صاحب‌نظران، خلاء فعلی را با خلاء ناشی از عقب‌نشینی بریتانیا از دنیای استعماری مقایسه می‌نمایند؛ ولی چنین قیاسی در واقع قیاس مع الفارق است زیرا یکی از تفاوت‌های اساسی روسیه با بریتانیا در این است که این کشور نمی‌خواهد با خالی کردن صحنه جای خود را کاملاً به آمریکا واگذار نماید.<sup>۲</sup> در نتیجه روسیه

۱. خانم وجیهه صادقیان خوری از محققان دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی است.

2. Abdul Shakoob, Central Asia, The US Interest- perception and its security policies,

که به نظر می‌رسد در زمان حاضر دستیابی به حوزه‌های نفوذ جدید را به سبب ساختارهای متزلزل اقتصادی و حتی سیاسی ناممکن می‌داند، می‌کوشد لااقل تأثیر خود را بر مناطقی که می‌تواند بر آنها نفوذ داشته باشد حفظ نماید و مهمترین این حوزه‌های نفوذ، اروپای شرقی و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع خصوصاً آسیای مرکزی است.

چنین تصور می‌رود که کشورهای اروپای شرقی و مرکزی که در حال حاضر خود را در یک محیط بسیار ناامن و بی‌ثبات احساس می‌کنند، لااقل سعی دارند در ابعاد دیگر از مشکلات داخلی روسیه (پس از فروپاشی) که می‌تواند به آسانی به این کشورها سرایت کند دوری گزینند و خود را زیر چتر حمایتی کشورها و سازمانهای متعدد اروپایی از قبیل ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا قرار داده و کمکهای ضروری را دریافت دارند. آنچه در روسیه می‌گذرد (به ویژه قدرت یافتن ناسیونالیستهای افراطی و همچنین تمایل روسیه برای بازگشت به جایگاه ابرقدرتی) خطری جدی برای آنها به شمار می‌رود. در حالی که اروپای شرقی و مرکزی می‌کوشند با کسب یک هویت اروپایی به معنی واقعی کلمه ایفاگر نقش تازه‌ای در روابط بین‌الملل باشند، امری که برای ظهور و گسترش آن نیازمند سپری شدن زمان هستیم. پس از آن به منطقه آسیای مرکزی می‌رسیم. منطقه‌ای که روسیه با وجود بحرانهای داخلی شدید می‌خواهد نفوذ خود را به هر شکلی در آن حفظ کند، زیرا روسیه با افول از جایگاه قدرتمند گذشته حالا به دلایل روانی، امنیتی و اقتصادی درصدد یافتن راهی است که بتواند قدرت درجه یک در این ناحیه باشد. اما از آنجا که هرچا منافی هست لاجرم منفعت خواهانی نیز حضور می‌یابند روشن است که در رسیدن به این مقصد یکه‌تاز نبوده و می‌بایست با رقبایی دست و پنجه نرم کند.

امروزه بازیگران عرصه جهانی فزونی یافته‌اند و یکی از بزرگترین بازیگران دنیای جدید ایالات متحده آمریکا است که به دلیل منافع متعدد توجه خود را به این نقطه از جهان معطوف کرده است. در اندیشه نخبگان سیاست خارجی آمریکا این فکر پیدا شده که با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و خروج جهان از نظام دو قطبی، این کشور قادر است برای اولین بار حضور سیاسی خود را در کشورهای تازه استقلال یافته تا مرزهای چین حاکم نموده و با این حضور سیاسی در سایر ابعاد نیز به موفقیت‌های تازه‌ای نایل گردد. بنابراین دو سؤال اصلی در این زمینه مطرح می‌شود:

۱. منافع آمریکا در منطقه چیست؟

۲. سیاستها و عملکردهای ایالات متحده برای تأمین این منافع در چه جهتی تنظیم و تدوین گردیده‌اند؟ و به عبارت دیگر با توجه به خلاء جغرافیای سیاسی موجود، آمریکا چگونه خواهد توانست حضور سیاسی خود را به منطقه تزریق و تحمیل نماید؟

### محورهای اصلی سیاست خارجی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی

برای درک محورهای سیاست خارجی ایالات متحده در آسیای مرکزی باید نخست به اهداف این کشور و سپس عملکردها و کنشهای متناسب با هر یک پرداخته شود. در عین حال نباید مرکز ایران و روسیه را در تجزیه و تحلیلها نادیده گرفت زیرا برخورد مناسب با هر دو کشور سهم عمده‌ای در جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا دارد. منافع آمریکا در آسیای مرکزی را می‌توان در پنج محور اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱. مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی؛

۲. مهار جمهوری اسلامی ایران؛

۳. جلوگیری از نفوذ بیش از حد روسیه؛

۴. استفاده از مواد خام و بازارهای مصرف آسیای مرکزی؛

۵. منافع راهبردی نظامی.

۱. مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی: با فروپاشی اتحاد جماهیر

شوروی و استقلال پنج جمهوری آسیای مرکزی و جریان یافتن هوای تازه اسلام‌خواهی و شوق مردم این منطقه به اسلام و مسلمانان و یافتن راههایی برای گسترش ارتباط با کشورهای مسلمان به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را نگران رشد اسلام‌گرایی در این منطقه ساخت، به طوری که در سال ۱۹۹۲ برای نخستین بار آمریکا به‌طور جدی یکی از منافع و اهداف خود را در آسیای مرکزی جلوگیری از رشد اسلام‌گرایی در این جمهوری‌ها اعلام کرد. این نگرانی‌ها بخصوص پس از بحران تاجیکستان به شکلهای گوناگون و از طریق افراد مختلف عنوان گردید.

جیمز بیکر در سخنانی به رؤسای جمهور کشورهای آسیای مرکزی در مورد نفوذ

اسلام‌گرایی تحت تأثیر ایران هشدار داد و از آنها خواست که به‌طور کامل از این جریان کنار بمانند. انعکاس این بیم در سخنان برژینسکی بخوبی نمودار است. «گرداب خطرناکی که

ممکن است از ایجاد خلاء جغرافیای سیاسی برای آمریکا و روسیه پدید آید همانا اسلام‌گرایی است، بیداری اسلامی رشد یافته نه فقط یک تصادم و برخورد با منافع روسیه بلکه تهدیدی علیه حاکمیت برتر آمریکا در منطقه و جهان است. وی اضافه کرد: «محیط جغرافیایی این گرداب ممکن است از دریای آدریاتیک و بالکان تا مرزهای چین و از خاورمیانه تا روسیه و اوکراین را دربرگیرد».<sup>۱</sup>

البته روشن است که وی تا حدودی در گفتار خود راه مبالغه پیموده است؛ ولی هدف وی از این کار تأکید بر اهمیت جلوگیری از رشد هرگونه اسلام‌گرایی بالقوه می‌باشد.

همچنین موضوع اسلام‌گرایی در گزارشی که از سوی مؤسسه صلح آمریکا تحت عنوان افغانستان و آسیای مرکزی در پی فروپاشی شوروی و چشم‌انداز سیر تکامل سیاسی نقش اسلام در واشنگتن انتشار یافت، بیان گردید. بر مبنای این گزارش، کارشناسان سیاسی آمریکا سه نوع بحران اسلامی، قومی و اقتصادی را در جمهوری‌های آسیای مرکزی پیش‌بینی کرده و در مورد بحران اسلامی بیان داشته‌اند: «احتمال می‌رود در صورت شورش عمومی و فقدان اقدام مؤثر از جانب دولتها، گرایش اسلامی مردم منطقه، که پس از خروج از زیر بار اقتدار روسیه شروع به نفس کشیدن مجدد کرده است، شکل انقلابی و افراطی به خود بگیرد».<sup>۲</sup>

۲. مهار جمهوری اسلامی ایران: از زمان سقوط رژیم شاهنشاهی در ایران، جمهوری اسلامی تبدیل به بزرگترین مخالف آمریکا در منطقه گردیده است. بدین لحاظ سیاست تحریم ایران توسط ایالات متحده سیاست چندان جدیدی نیست؛ اما سیاست مهار ایران پدیده‌ای جدید و منحصر به دوران ریاست جمهوری اخیر آمریکا است. تحریم بخشی از سیاست مهار ایران است که هدفهایی چون تضعیف قدرت ایران و جلوگیری از رشد داخلی و خارجی این کشور را دنبال می‌کند. در واقع مهار نوعی جنگ سرد است که ابزارهای مختلف از جمله اقتصادی و حتی ابزارهای نظامی در آن به کار رفته و همانند جنگ سرد اهداف درازمدت دارد. طی چند سال اخیر که از سیاست مهار ایران می‌گذرد، صاحب‌نظران در مورد تأثیر آن دیدگاه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. طرفداران مهار ایران عمدتاً در دستگاه‌های دیوان‌سالاری آمریکا قرار دارند و گاه با شدت و علاقه سیاست مهار ایران را دنبال می‌کنند. هرچند که این

1. Zbigniew Brezinski, world order of the future, Dawn (Karachi) march 3, 1994, p.235.

۲. بدون نام، اهداف آمریکا در آسیای مرکزی، نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره ۴۲، آبان سال ۱۳۷۴،

افراد همیشه از یکپارچگی لازم برخوردار نیستند؛ ولی در اجرای سیاست مهار با یکدیگر اشتراک هفیده دارند. در بالاترین سطوح به نامهایی از قبیل آلبرایت، داماتو و گیلمن برمی خوریم که در این طیف قرار دارند.

وزیر امور خارجه آمریکا، مادلین آلبرایت، طی سخنانی دولتهای جهان را به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. دولتهای رعایت‌کننده قوانین بین‌المللی؛ ۲. دولتهای در حال ظهور؛ ۳. دولتهای یاضی و متمرده؛ ۴. دولتهای شکست‌خورده. وی ایران را در رده کشورهای سرکش و قانون‌شکن قرار داد و بر لزوم مهار ایران تکیه کرد.<sup>۱</sup>

گروه مذکور برای مهار ایران راهها و استدلالهایی مطرح می‌نمایند به این مضمون که مهار دوگانه به سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران نظم بخشیده و آن را دقیقاً براساس وضعیت آمریکا و چگونگی حضور این کشور در منطقه منسجم کرده است و از طرف دیگر هدف آمریکا جلوگیری از ظهور ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بوده و لذا امکانات راهبردی و بلندمدتی که موقعیت منطقه‌ای ایران از طریق آنها جایگاه ممتازی می‌یابد سلب گردیده و فشارهای آمریکا می‌تواند فضای مناسب را برای تحقق این هدف از میان بردارد.

اما این استدلالها غالباً از سوی محافل علمی و تحقیقاتی رد شده است. حتی افرادی نظیر برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا که معتقد است: «ایران به روشنی یک نیروی فعال برای به‌دست گرفتن قدرت اول در منطقه است و برای این کار انگیزه‌های ملی و مذهبی و بیگانه‌ستیزی از جمله عوامل تقویت‌کننده‌اند و با توجه به چنین انگیزه‌هایی تفوق آمریکا در آسیای مرکزی به مثابه خانه‌ای بنا شده بر روی شن است. این حقیقتی انکارناپذیر است که حتی یک ارتش فوق‌العاده که در جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ موفق گردید، نمی‌تواند کاملاً نتایج سیاسی مناسب و هم‌عرض هم ببار آورد»<sup>۲</sup> نیز استدلالهای تند گروه اول را مورد تردید قرار می‌دهد. از نظر آنها ایران و آمریکا می‌توانند منافع مشترکی در آسیای مرکزی داشته باشند و سیاست مهار ایران در عمل سبب شده است که رشد و گسترش اقتصادی آسیای مرکزی به تعویق افتاده و دچار بن‌بست گردد. رشد این مناطق (چنانکه مورد ادعای ایالات متحده است) بدون در نظر گرفتن عنصر ایران غیرممکن است و سیاست مهار با کنار گذاردن ایران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آسیای مرکزی نیز ضربه وارد می‌آورد.

1. Richard F. Staar, «Moscow's plans to Restore it's power», Orbis, 40:3, Summer 1996, p.10.

2. Zbigniew Brzezinski, *op.cit.*

۳. جلوگیری از نفوذ بیش از حد روسیه؛ در این زمینه و برای روشن شدن محورهای سیاست آمریکا و درک دلیل عملکردهای این کشور ابتدا باید چند موضوع به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد. زیرا سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی به نحو اساسی با منافع روسیه و چگونگی اقدامات این کشور در موارد گوناگون وابسته است.

الف) منافع و اهداف مشترک روسیه و آمریکا در سیاست دو کشور در مورد آسیای مرکزی: لاقلاً به نظر می‌رسد که در نگاه اول هماهنگی زیادی بین سیاست خارجی آمریکا و روسیه به دلیل درک منافع مشترک وجود دارد. از همین رو سطح همکاری‌های این دو کشور مرتباً (البته در سالهای اولیه فروپاشی با سرعت بیشتر و در موقعیت کنونی به دلایل متعدد با شتاب کمتر) در حال گسترش است. عواملی که سبب‌ساز اتصال این دو سیاست هستند عبارت‌اند از:

امنیت: با حذف پیمان ورشو روندی آغاز گردید که تاکنون ادامه یافته است. بروز تنشهای داخلی، گروه‌گرایی، قومیت‌گرایی که تا آن زمان به علت حاکمیت سامانه بین‌المللی بر پایه جنگ سرد مجال و فرصت ظهور نیافته بود، دنیای پس از جنگ سرد را به جهانی بی‌ثبات و ناامن بدل ساخت.

ماهیت و مفهوم امنیت در این اوضاع و احوال دستخوش تغییر گردیده است. امنیت به مفهوم سنتی و واقع‌بینانه آن در توان حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی دولت ملی خلاصه می‌شود؛ اما با شروع دهه هشتاد میلادی این مفهوم بسیار محدود امنیت جای خود را به مفهومی وسیعتر داد که مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز شامل می‌شود. در حال حاضر تمام دولت‌ها از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی - نظامی نفوذپذیر گشته‌اند و نمی‌توانند خود را از جریانهای جهانی برکنار دارند و خود به تنهایی درصدد حفظ امنیت خود برآیند.

در روابط روسیه و آمریکا نیز ترسهای مشترکی به چشم می‌خورد. در سال ۱۹۹۱ یلتسین و کلینتون معاهده‌ای را به امضا رسانیدند که براساس آن نقش روسیه به عنوان ژاندارم کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و حق مداخله در این کشورها هنگام بروز بحران به رسمیت شناخته شد. بنابراین سیاست خارجی آمریکا در قبال آسیای مرکزی و روسیه از یک سو تشکیل اتحادیه‌ای با غرب از طریق سامانه امنیت دسته‌جمعی جهانی و کاهش تسلیحات و از سوی دیگر ایجاد یک سامانه امنیتی با روسیه در قبال آسیای مرکزی است. به نحوی که حتی

کلیتون ضمن انعقاد معاهده یادشده طی سخنانی پذیرفت که روسیه بر حسب ضرورت در کشورهای همسایه به مداخله نظامی بپردازد؛ درست همان رفتاری که آمریکا در چند سال گذشته در پاناما و گرانادا داشته است.<sup>۱</sup> دلیل حمایت‌های افراطی ایالات متحده از بوریس یلتسین و هواداران وی (حتی با انجام اقدامات خشن چون هجوم نظامی به پارلمان روسیه و برچیدن دادگاه قانون اساسی که البته از سوی مقامات آمریکایی در قالب توجیهات دموکراتیک تلقی گردید) را باید در ترس آمریکا از ناپایداری سیاسی در روسیه که ممکن است ظهور و فعالیت ملی‌گرایان افراطی چون ژیرنوفسکی یا بنیادگرایی اسلامی را تسهیل کند دانست. به هر صورت کاملاً روشن نیست که این ایده در آینده دور (هنگامی که بیمه‌گارش یابند) نیز باقی بماند.

هراس از اگو و برنامه‌های بازار مشترک: این مسأله نیز یکی از بخش‌هایی است که دیپلماسی آمریکا و روسیه به یکدیگر بسیار نزدیک می‌شود و به عبارت روشن‌تر آمریکا با توجه به نفوذ سنتی روسیه در منطقه می‌کوشد از این کشور به عنوان بلندگوی خود استفاده کند. ورود به اگو و سایر سازمان‌های منطقه‌ای که روسیه در آنها حضور ندارد، طی سال‌های گذشته بارها مورد انتقاد مقامات بلندپایه روس قرار گرفته بود. صریح‌ترین این موضعگیری‌ها در ژوئیه ۱۹۹۳ آشکار گردید که دولت روسیه با یک اولتیماتوم واقعی از کشورهای آسیای مرکزی خواست که بین پیوستن به یک اتحاد اقتصادی برنامه‌ریزی شده توسط روسیه، بیلوروس و اوکراین و عضویت در اگو با تصمیمی سریع یکی را انتخاب نمایند. در پاسخ، کلیه کشورهای آسیای مرکزی، در سازمان دوباره فعال شده هم‌کاوی‌های اقتصادی به ایران و ترکیه و پاکستان پیوستند و قصد خود را برای تبدیل شدن به یک منطقه تجارت آزاد که کشورهای مختلف اسلامی را دربر می‌گیرد اعلام نمودند. پس از آن شرایط برای پذیرش تدریجی این اقدام در روسیه فراهم شد ولی هنوز هم نگرانی‌هایی در این زمینه ابراز می‌گردد.<sup>۲</sup> این امر در کنفرانس آسیای مرکزی و ارتباطات، حمل و نقل و همگرایی که با همکاری دانشکده مطالعات عالی بین‌المللی جان هاپکینز و شرکت نفتی یونوکال در سال ۱۳۷۶

1. Charles Krauthammer, «Competing Sphere of influence» Dawn (Karachi) November 1, 1994, p.205.

2. Grigory Bondarvesky and peter ferdinand, «Russian Foreign policy and Central Asia» in the New Central Asia and its Neighbours by peter Ferdinand (Ed), (London: Pinter Publishers, 1999) pp.36-37.

هجری شمسی در عشق‌آباد برگزار گردید، مطرح شد. در همان حال که سازمانهای منطقه‌ای و به‌ویژه اکو با تمرکزی که روی ساختارهای زیربنایی دارد به عنوان بهترین وسیله یا مرجع برای همگرایی میان کشورهای آسیای مرکزی مورد تأیید مجدد قرار گرفت، نماینده روسیه ضمن ابراز نگرانی از اینکه در این‌گونه مباحث معمولاً ذکری از روسیه به‌میان نمی‌آید و به این ترتیب منافع ملی بلند مدت کشورهای آسیای مرکزی ملحوظ نمی‌شود، تصریح کرد که در پیشبرد روند همگرایی این کشورها نمی‌توان روسیه را نادیده انگاشت.<sup>۱</sup>

سومین نقطه مشترک سیاست آمریکا و روسیه در این است که هیچ‌یک از دو کشور مایل نیستند که کشورهای آسیای مرکزی برای صادرات کالاهای خود به سایر نقاط جهان از خطوط راه‌آهن و جاده‌های همسایه جنوبی خود استفاده کنند. همسایه‌ای که ارزانترین و کوتاهترین راه صادرات و دستیابی به بازارهای سراسر جهان را در اختیار آنها قرار می‌دهد. در این میان تعارض میان منافع ملی ایران و روسیه زمینه را برای جولان هرچه بیشتر آمریکا فراهم می‌کند، زیرا ایران نیز مایل است تا با تبدیل شدن به یک حلقه ارتباطی بین آسیای مرکزی و اروپا علاوه بر کسب اعتبار منطقه‌ای بیشتر، به منافع حاصله دست یابد. احیای مسیر جاده ابریشم با احداث مسیر طولانی راه‌آهن خلیج فارس - سرخس - تجن که بار دیگر غرب چین و آسیای مرکزی را از طریق ایران به جهان مرتبط می‌کند، به منظور تحقق همین هدف صورت گرفته است و در آینده نزدیک با تکمیل این مسیر شبه قاره هندوستان نیز از طریق ایران به غرب و شمال و جنوب متصل خواهد شد. به این ترتیب جاده‌ها و خطوط آهن ارتباطی که به تازگی افتتاح شده است، آسیای مرکزی را به شمال ایران و سپس به خاورمیانه، ترکیه و اروپا مرتبط می‌سازد؛ ضمن اینکه از لحاظ هزینه و زمان صرفه‌جویی‌هایی به همراه خواهد داشت.<sup>۲</sup>

در این زمینه روسیه و آمریکا سعی دارند به کشورهای آسیای مرکزی بقبولانند که روسیه تأمین‌کننده بهترین و مطمئن‌ترین راههای ارتباطی بین اروپا و آسیا، و خاورمیانه و خاور دور می‌باشد. کشورهای آسیای مرکزی نیز اگرچه در زمینه گسترش جاده‌ها و حمل و نقل جاده‌ای قراردادهایی را با پروژه کمکه‌های فنی به کشورهای مشترک‌المنافع و اروپایی‌ها به امضا

۱. کنفرانس «آسیای مرکزی: ارتباطات، حمل و نقل و همگرایی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم، دوره سوم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۶، ص ۲۶۰.  
۲. همان، ص ۲۵۹.



رسانده‌اند، اما در کنفرانس آسیای مرکزی و ارتباطات که در سال ۱۳۷۶ هجری در عشق آباد برگزار گردید، اغلب شرکت‌کنندگان روی امکانات وسیع اکو و قراردادهای چندجانبه‌ای که در مورد تسهیلات و نظارت و بهره‌برداری از جاده‌ها به امضا رسیده است، تأکید نمودند. گذشته از راههای ارتباطی و ترانزیت کالا، بین دو کشور روسیه و ایالات متحده در زمینه انتقال نفت آسیای مرکزی از طریق خطوط روسیه توافق وجود دارد و سیاست آمریکا در این زمینه در واقع مکمل سیاست مهار ایران و جلوگیری از گسترش همکاری بین کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی است.

در دهه ۱۹۸۰ واشنگتن در تلاش خود جهت تنبیه اروپایی‌ها برای دسترسی به گاز سیبری از طریق خط لوله شوروی که با طبیعی‌ترین مسیر از روسیه و اوکراین می‌گذشت، ناموفق ماند. اکنون این کشور در حال انجام همان عمل در مورد نفت و گاز موجود در آسیای مرکزی است، با این تفاوت که امروزه این کشورها مجبورند بهای آن را بپردازند.

در دنیای امروزه که نفت و گاز اصولاً به مقوله‌ای سیاسی بدل شده است، دو مسیر لوله‌ای که در ایران وجود دارد یعنی یکی مسیر شمال ایران و دیگری مسیر انتقال ۸۰ میلیون مترمکعب گاز ترکمنستان به ترکیه هر دو تحت فشارهای سیاسی آمریکا قرار گرفته‌اند. از همین رو و از آنجا که ایالات متحده خطوط لوله روسیه را به دلایل سیاسی بر خطوط لوله ایران ترجیح می‌دهد، بانک صادرات و واردات این کشور بدون در نظر گرفتن دستیابی آزاد روسیه به بازارهایی که می‌توانند از حاکمیت آسیای مرکزی حمایت کنند، شرایط خاصی قائل شده و جهت گسترش خطوط لوله روسیه میزان اعتبار به این کشور را افزایش داده است.

ب) رقابت و تعارض منافع و سیاستهای آمریکا و روسیه و تأثیر آن در آسیای مرکزی: از زمان تجزیه شوروی سابق دولتها و رسانه‌های غربی کورکورانه این عقیده را رواج داده‌اند که بزرگترین خطری که آسیای مرکزی را تهدید می‌کند ایده انقلاب اسلامی ایران است. در حالی که در تحلیل جنبه‌های مختلف موج جدید حیات اسلامی اغلب از نکته‌ای غفلت می‌شود که جا دارد مورد توجه قرار گیرد.

بنابه دلایل گوناگون مردم ایران و حوزه فرهنگی - مذهبی خاص آن در مجموعه جهان اسلام قرابت بیشتری با وجوه سیاسی مکتب اسلام و احیای تفکر اسلامی در جهت کاربرد اندیشه‌های مذهبی برای اصلاح امور اجتماعی دارد، به گونه‌ای که اعتراض اجتماعی در شکل مذهبی آن در طول تاریخ عمده‌تاً از جانب مکتب فکری و حوزه فرهنگی کشور ایران بوده

است. لذا انتقال از امر مذهبی به امر سیاسی و متعاقب آن تمهید و تعبیه نهادهای لازم برای تبیین و تفسیر این انتقال در ایران با سهولت بیشتری میسر بوده است. چنین وضعیتی در سایر حوزه‌های اسلامی بندرت دیده شده و یا حداقل ابعادی به گستردگی آنچه در ایران تجربه شده، نداشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که تعمیق گرایشهای سیاسی در حوزه‌های اسلامی و از جمله در جمهوری‌های آسیای مرکزی در بلندمدت به میزان زیادی به تعمیق و گسترش راهگشایی‌های دینی بستگی خواهد داشت.

به همین سبب و با توجه به چنین نکته‌ای است که عضو سابق سنای آمریکا، آلن کرانستون، معتقد است که تهدید بسیار فوری برای آسیای مرکزی از شمال می‌آید نه از جنوب.<sup>۱</sup> نیروهای نظامی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که عمده آنها را سربازان روسی تشکیل می‌دهند در تمام کشورهای آسیای مرکزی گسترده شده‌اند. رهبران کمونیستی موجود در آسیای مرکزی نیز با این وضعیت موافق و از آن رضایت دارند و سعی می‌کنند مردم کشورهای خود را متقاعد سازند که این تدبیر برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از خطر اسلام‌گرایی که عمدتاً از جنوب می‌آید ضروری است.

در خود روسیه نیز علائمی وجود دارد مبنی بر اینکه نیروهای ضددموکراسی خواستار سرمایه‌گذاری بر روی نارضایتی مردم هستند، نارضایتی که با پیشرفت کند و متزلزل کشور به سوی دموکراسی و اقتصاد بازار پدید آمده است که البته مقاومت این نیروها در برابر اصلاح سهم بزرگی در ایجاد این وضعیت داشته است. احیای مجدد امپراتوری شوروی در یک شکل جدید که در مه ۱۹۹۲ در روز کارگر در مقابل کاخ کرملین خود را نشان داد، مورد پذیرش گروهی از جمله مدیران صنعتی که از زمان تجزیه شوروی از حیث منابع خام و ارزان آسیای مرکزی در مضیقه هستند، قرار خواهد گرفت.<sup>۲</sup>

در سیاست خارجی نیز یک رژیم اقتدارگرا در مسکو ممکن است تسلیم و سوسه دنبال کردن سیاست افزون‌طلبی شده و از آسیای مرکزی به عنوان یک تخته پرش به منظور افزایش استحکام پایه‌های سیاسی و انحراف افکار عمومی از ناتوانی نظام در حل مشکلات اقتصادی استفاده نماید.

اما ایالات متحده آمریکا که از هنگام استقلال کشورهای آسیای مرکزی، اصل مهم

1. Alan Kranston, *Us & Central Asia, Central Asia monitor*, No.5, 1995.

2. *Ibid.*

سیاست خارجی خود را تقویت استقلال کشورهای جدید اعلام نموده از استقلال این کشورها حمایت می‌کند، طبیعتاً نمی‌تواند با افکار افزون‌طلبانه موافق باشد. بنابراین طراحان سیاست خارجی آمریکا در تلاش هستند که ضمن حفظ سیاست «اول، روسیه» با اقدامات مقتضی از افزایش دوباره قدرت روسیه در منطقه و در نتیجه ضعیف شدن استقلال کشورهای تازه استقلال یافته جلوگیری به عمل آورند.

البته گاهی مشاهده می‌شود که اعمال آمریکا با حمایت لفظی آن کشور از استقلال کشورهای جدید منطقه مطابقتی ندارد، اما دلیل این امر را باید در تعدد اهداف و فقدان یک اولویت‌بندی روشن دانست. روی هم رفته این مسأله واضح است که هرگاه تهدیدی از سوی اسلام‌گرایان و یا ایران حس نمی‌شود آمریکا در دنباله‌روی از اصول و منافع خود به تناسب از سیاستهای متخذه از سوی روسیه دور شده و گرایش بیشتری نسبت به حمایت از استقلال آسیای مرکزی نشان می‌دهد ولی هرچاکه خطری از نوع فوق احساس می‌شود سیاست آمریکا به روسیه نزدیک می‌گردد؛ هرچند که این امر موجبات ضعیف شدن استقلال این جمهوری‌ها و در نتیجه کاهش ثبات منطقه را فراهم می‌آورد.

۴. استفاده از مواد خام و بازارهای مصرف آسیای مرکزی: پس از آنکه کشورهای پیشرفته صنعتی پی بردند که آسیای مرکزی دارای منابع گسترده‌ای از نفت و گاز است ناگهان مقامات این کشورها و از جمله آمریکا در همه سطوح به فکر افتادند تا معاملات نفتی و مسیرهای خط لوله را مورد بررسی قرار دهند و سعی کردند موضوعات مربوط به انرژی را در برنامه‌های عملی خود در این منطقه وارد سازند. بنابراین فعالیتهای اقتصادی و تجاری به‌ویژه در خصوص انرژی و نفت برجسته‌ترین عامل اقتصادی حضور آمریکا در این منطقه از جهان است.

جمهوری‌های آسیای مرکزی از لحاظ عرضه و فراوانی منابع سوختی با یکدیگر متفاوتند و می‌توان آنها را در دو گروه مشخص جای داد:

گروه اول: جمهوری‌هایی که در مصرف منابع سوختی موازنه مثبت دارند مثل ترکمنستان و قزاقستان؛

گروه دوم: جمهوری‌هایی که بخشی از منابع انرژی خود را از داخل تأمین می‌کنند مثل قرقیزستان و تاجیکستان و ازبکستان. طبق برآوردهای موجود این کشورها تنها یک‌چهارم منابع نفتی شوروی سابق را دارند ولی از ۳۳ میلیارد بشکه نفت خام قابل استحصال آسیای

مرکزی تقریباً نیمی از آن در قزاقستان قرار دارد (به این ترتیب قزاقستان از مجموع سه کشور عضو اوپک یعنی الجزایر، قطر و گابن منابع نفتی بیشتری دارد) اما این جمهوری‌ها از لحاظ گاز طبیعی دارای اهمیت بیشتری هستند. حدود ۲۲٪ گاز طبیعی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع متعلق به این جمهوری‌هاست و منابع اثبات شده گاز آنها از آمریکا بیشتر است. در این میان ترکمنستان بزرگترین و ازبکستان دومین تولیدکننده مهم گاز طبیعی در منطقه هستند و به لحاظ ثبات و امنیت نسبی موجود در آنها این دو کشور می‌توانند بالقوه به یکی از مناطق مستعد برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شوند.<sup>۱</sup>

بدیهی است که چنین منابع عمده‌ای توجه شرکت‌های بزرگ آمریکایی را به خود جلب می‌کند. نیاز این کشورها برای استخراج نفت و کسب درآمدهای ارزی به منظور ثبات بخشیدن به ساختار اقتصادی نوپای خود شرایط را بیشتر آماده می‌گرداند.

سیاست مردان کاخ سفید که خواهان حمایت هرچه بیشتر این غولهای صنعتی هستند در سیاست خارجی خود برای دستیابی به اهداف اقتصادی اولویت خاصی قائلند. به طوری که به شرکت‌های بین‌المللی خود این اجازه را می‌دهند آزاد باشند تا سرمایه، فن‌آوری، نیروی کار ماهر و مواد اولیه را هر زمان و هر جا که برای به حداکثر رسانیدن سود و رقابت لازم دیدند انتقال دهند. آنها باید آزاد باشند براساس اصول اقتصادی خود تصمیم بگیرند. آزاد بودن برای نشان دادن واکنش متناسب در مقابل رقابت شرکت‌های کوچکتر و نیز خطرات احتمالی جدید در مقابل هرگونه فشاری از سوی مصرف‌کنندگان، کارگران یا دولت‌های جهان سومی برای شرکت‌های بزرگ و بین‌المللی از ضروریات است. به این ترتیب دولت آمریکا و شرکت‌های بین‌المللی این کشور در یک رابطه دوسویه و متقابل قرار می‌گیرند. بدین معنی که دولت با حضور سیاسی و تبلیغاتی خویش زمینه را برای فعالیت سرمایه‌گذاران آماده می‌کند و شرکتها نیز در تمام وضعیتهای مورد لزوم از دولت حمایت به عمل می‌آورند. این تقابل و درک دوسویه عامل اصلی موفقیت این شرکتها در اخذ امتیازات انرژی به طور اخص و سایر امتیازات به طور اعم می‌شود. نمی‌توان از منافع آمریکا در آسیای مرکزی بدون توجه به نقش سازمانهای مالی و اقتصادی بین‌المللی سخن به میان آورد. در واقع منافع و سیاستهای آمریکا تا حدود زیادی در عملکرد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول انعکاس یافته است.

1. Cambridge Energy Research (CERA), How for Down? Energy and The Greater Soviet Economic Depression (Private Report), 1992, pp.5-7.

این مؤسسات بین‌المللی پس از ظهور کشورهای تازه استقلال یافته سریعاً دفاتر خود را در این حوزه فعال نموده و شروع به انجام مذاکراتی در خصوص اعطای وام، اعتبار و کمک کردند. در این بین کشورهایایی که دارای ارتباط قوی‌تر و بهتری با غرب و خصوصاً آمریکا هستند بیشترین این کمکها را به خود اختصاص دادند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۲ صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> به قزاقستان وامی به مبلغ ۱/۲ میلیارد دلار پرداخت نمود که در نوع خود سرمایه‌گذاری سنگینی برای کشوری کوچک به‌شمار می‌رود. در سال ۱۹۹۳ نیز بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه<sup>۲</sup> وامی ۶۰ میلیون دلاری برای قرقیزستان تصویب نمود.<sup>۳</sup> از سوی دیگر صندوق بین‌المللی پول که در گذشته به کشورهای آسیای مرکزی پیشنهاد ایجاد یک منطقه روبل را نموده بود اخیراً از پیشنهاد خود انصراف حاصل نموده و اکنون در صدد تشویق این کشورها برای تأسیس پولهای رایج خود به‌عنوان اولین اقدام در جهت کسب حمایت‌های مالی این مرکز می‌باشد.<sup>۴</sup>

۵. منافع راهبردی نظامی: مسأله تکثیر سلاحهای هسته‌ای و گشتار جمعی همواره به‌عنوان یک موضوع کلیدی و تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا مطرح بوده است به‌طوری که حتی گاهی ایالات متحده به دلیل مخارج و رقابتهای نظامی و توجه افراطی به این موضوع دچار مشکل اقتصادی گردیده است.

به همین سبب در دهه ۱۹۸۰ دور جدیدی از مذاکرات مربوط به خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی را با اتحاد جماهیر شوروی آغاز نمود و اولین نشست در دوره تشنج‌زدایی جدید سال ۱۹۸۵ در ژنو صورت گرفت و در این نشست شوروی و آمریکا در مورد ممنوعیت ساخت و به‌کارگیری و انبار نمودن سلاحهای شیمیایی به توافق رسیدند. در دومین نشست در سال ۱۹۸۶ در ریکیاویک در مورد عاری نمودن اروپا از سلاحهای هسته‌ای در مقابل توقف برنامه جنگ ستارگان به توافقیهای مقدماتی دست یافتند. سومین نشست که در دسامبر ۱۹۸۷ در واشنگتن صورت گرفت به عقد قراردادی در زمینه حذف موشکهای میان‌برد هسته‌ای انجامید و بالاخره پنج ماه بعد در نشست مسکو ضمن امضای نهایی قرارداد مربوط به

1. IMF

2. IBRD

3. Ahmad Rashid; *The Resurgence of Central Asia: Islam or Nationalism* (Karachi: Oxford University Press, 1994), p.224.4. Daniel Williams, «Chechnya brings Clinton, Yeltsin Closer», *Dawn* (Karachi) February 1995.

موشکهای میان برد هسته‌ای مذاکرات مربوط به حذف پنجاه درصد از موشکهای اتمی، مرکزی یعنی موشکهای دوربرد راهبردی مستقر در آمریکا و شوروی را نیز آغاز نمودند.<sup>۱</sup> پس از فروپاشی اتحاد شوروی همچنان این نگرانی ادامه یافت، زیرا آمریکا توانسته بود در سالهای اخیر به توافقهایی با روسیه دست یابد و حالا با ایجاد کشورهای جدیدی که بعضی از آنها یک قدرت هسته‌ای مهم به‌شمار می‌رفتند، مشکلات گذشته دوباره رخ می‌نمود. بخصوص که در مورد انعطاف این کشورها تضمینی در دست نبود.

مسأله منافع راهبردی نظامی دارای چنان اهمیتی برای آمریکا است که رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در یکی از اظهارات خود در کمیته سنا بیان داشت «تکثیر سلاحهای هسته‌ای یکی از چالشهای پیچیده‌ای است که تا پایان قرن حاضر با آن روبه‌رو خواهیم بود».<sup>۲</sup> در میان کشورهای آسیای مرکزی، قزاقستان به‌عنوان چهارمین قدرت هسته‌ای در جهان مورد توجه کارشناسان راهبردی آمریکایی قرار گرفته است. این منبع نگرانی آنچنان اهمیتی دارد که دیپلماتهای ایالات متحده پس از شکست کودتای ۱۹۹۱ مرتباً از آلمان‌آتا دیدن کرده‌اند. درج مطالبی در مورد فروش موشکهای SS-18 و اورانیوم به ایران و سایر کشورهای جهان سوم بر دامنه این هراسها می‌افزود تا اینکه در ماه مه ۱۹۹۲ قزاقستان رسماً با امضای اولین پیمان کاهش سلاحهای استراتژیک<sup>۳</sup> موافقت نمود. به موجب این پیمان اولین سلاحی که در لیست حذف و امحاء قرار گرفته SS-18 است یعنی سلاحی که قزاقستان به آن دسترسی فراوان دارد و این یکی از نقاط اشتراک روسیه و آمریکا در سیاست امنیت منطقه‌ای است.<sup>۴</sup> بعد از این مرحله نیز استارت<sup>۵</sup> امضاء شده است. مطالعات مرکزی

### تأثیر آمریکا بر روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در زمینه همکاری با ایران

با فروپاشی شوروی سابق و استقلال پنج جمهوری مسلمان‌نشین در آسیای مرکزی وضعیت راهبردی و جغرافیای سیاسی ایران اهمیت بسیار زیادی یافت. ایران علاوه بر دارا بودن مرزهای مشترک آبی و خاکی، پیوند و علقه‌های معنوی بسیاری نیز با این جمهوری‌ها دارد. از جمله این پیوندها می‌توان به دین و میراث فرهنگی و تاریخ مشترک اشاره کرد. که

۱. احمد نقیب‌زاده، تحولات روابط بین‌الملل از کنگره وین تا امروز، آذر ۱۳۶۹، چاپ اول، ص ۲۴۱.

2. Ahmad Rashid, *op.cit.* p.236.

3. START 1

4. *Ibid.*, p.235.

5. START2

زمینه را برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران با آسیای مرکزی فراهم ساخته است. گسترش روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی، باعث نگرانی آمریکا در مورد رشد نفوذ ایران در این منطقه شده است.

گذشته از این پیوندها و علقه‌ها، منافع متقابل جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی زمینه را برای فعالیت و همکاری در سطح منطقه فراهم کرده است. همکاری برای گسترش صنایع به منظور افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز و افزایش توان صادراتی، سرمایه‌گذاری در صنایع پایین دستی به منظور افزایش ظرفیت پالایشی و پایه‌ریزی شبکه جمع‌آوری و توزیع منطقه‌ای فرآورده‌های نفتی، همکاری در زمینه تجهیزات نفتی، ماشین‌آلات، خطوط لوله، حمل‌ونقل و بازاریابی نفت خام و فرآورده‌های نفتی در جهت کاهش وابستگی به مناطق تحت نفوذ روسیه و به وجود آوردن فرصت‌های جدید برای راهیابی به بازارهای بین‌المللی و بالاخره هماهنگی با سازمان اوپک در امر سیاست‌های قیمت‌گذاری و تولید از جمله اهداف اصولی و راهبردی چنین همکاری‌هایی محسوب می‌شود. بدیهی است ایران با دهها سال سابقه در فعالیتها و عملیات گوناگون نفتی برای سازماندهی چنین تشکلی از امکانات نیرومندی برخوردار است. پروژه‌هایی مانند احداث خط لوله ۱۴۵۰ مایلی انتقال گاز از ترکمنستان به جنوب شرقی اروپا از طریق ایران از جمله موارد و زمینه‌های مهم برای گسترش همکاری در ارتباط با انرژی هستند. اما در این میان مشکل مشترک مهمی وجود دارد و آن موانعی است که غرب و بخصوص ایالات متحده آمریکا بر سر راه این همکاری قرار می‌دهند.

سیاست خارجی آمریکا جهت جلوگیری از نفوذ و همکاری ایران در منطقه آسیای مرکزی را می‌توان روی محورهای زیر خلاصه کرد:

محافل آمریکایی که از گسترش و تعمیق همکاری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های آسیای مرکزی ناخشنودند سعی دارند چنین وانمود کنند که مردم در آسیای مرکزی پس از فروپاشی کمونیسم، الگوی سیاسی و اقتصادی خویش را از نظامهای لائیک فرا خواهند گرفت. در حقیقت آنها با چنین تبلیغاتی مایلند که توفیق ایران را در تشکیل یک نظام مستقل براساس هویت اسلامی نادیده گیرند.

این کشور همچنین با وارد ساختن اتهاماتی نظیر دخالت ایران در فعالیتهای تروریستی، نادیده گرفتن حقوق بشر و خریدهای بزرگ تسلیحاتی و تأکید بر عدم موفقیت

ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی خواستار آن است که بتواند زمینه را برای دوری این ملتها از ایران فراهم سازد.<sup>۱</sup>

آمریکا میزان روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با کشورهای آسیای مرکزی با میزان روابط این جمهوری‌ها با تهران و دوری و نزدیکی آن می‌سنجد و سعی بر کنترل روابط این کشورها با ایران دارد. از جهت اقتصادی اعمال شیوه‌های پاداش و تنبیه و مجازاتهای غیرخشونت‌آمیز یکی دیگر از اهرمهای نفوذ سیاست خارجی آمریکاست. این کشور با اعمال مجازاتهای اقتصادی و عدم همکاری با کشورهای غیرهمراه و دادن کمکهای اقتصادی و عدم ایجاد مانع در سرمایه‌گذاری کشورهای همراه، جمهوری‌های منطقه را به عدم همکاری با ایران تشویق می‌کند. مانع‌تراشی در احداث و استفاده از خطوط لوله‌ای که از ایران می‌گذرد نمونه واضح این جهت‌گیری‌های سیاسی است.

به همین شکل آمریکا سعی کرده است با تأثیر بر روی تصمیمات روسیه در همکاری با ایران، دامنه این همکاری‌ها را هرچه بیشتر محدود نماید. پس از فروپاشی شوروی عده‌ای از روشنفکران و سیاستمداران روس نجات و تعالی کشور خود را در مسیر نزدیکی فزاینده با غرب و گسترش سبک‌ها و رویه‌های غربی در همه شئون زندگی روسیه می‌دانستند. چنانکه در دوران پس از تجزیه، همکاری روسیه و آمریکا را به‌عنوان یک ضرورت بی‌بدیل مورد توجه قرار دادند. اما تصور ابتدایی براساس اینکه فرصت تاریخی استثنایی برای آمریکا و روسیه پدید آمده است تا فارغ از گرایشهای برتری طلبانه و تحمیل اولویتهای آنان بر دیگر کشورها همکاری نمایند پس از مدتی اشتباه از آب درآمد. پلتسین و رهبران غربی تلاش گسترده‌ای انجام دادند تا از فرصت تاریخی به‌دست آمده بهره‌گیرند. شرایط فروپاشی اقتصادی و سیاسی در این کشور حساسیت نگرش به سوی غرب برای رهایی از دشواری‌ها را افزوده بود. روند فزاینده ناامیدی از به‌دست‌آوردن کمکهای ضروری از سوی غرب و به‌ویژه آمریکا به‌نوبه خود منجر به رشد گرایش دیگری در این کشور گردید. روسیه خواستار شرایط مطلوب برای خود به‌عنوان یک عضو برابر با قدرتهای بزرگ در نظام بین‌المللی می‌باشد، عدم پاسخ مناسب به این نیاز و خواسته تاریخی سبب گردید در روابط مودت‌آمیز آن با آمریکا اخلال حاصل شود و تلاشهای انجام شده از سوی آمریکا در کشورهای پیرامون روسیه با توجه به اینکه مسکو برای خود در این مناطق منافع حیاتی در نظر دارد بر تعمیق شکاف افزود. از سوی

۱. اهداف آمریکا در آسیای مرکزی، نگرشی بر تحولات سیاسی، شماره ۴۲، آبان ۱۳۷۴، ص ۳۴.



دیگر سیاست پیروی از آمریکا که از سوی روسیه اعمال گردید، سبب بروز ناراضی‌های جدی در این کشور شد و دیدگاه آسیایی را دارای اهمیت بیشتری کرد. در رأس کشورهای منطقه که از جهات گوناگون برای روسیه دارای اهمیت است، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. طی قرون گذشته روابط ایران و روسیه فرازونشیب‌های بسیاری به خود دیده است و حالات دوستانه و خصمانه متعددی را می‌توان یافت. روسیه نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ روابط خارجی ایران داشته و موضوع ایران یکی از مسائل مورد توجه تصمیم‌گیرندگان سیاسی روسیه بوده است. در حال حاضر برای روسیه مناسبات با ایران ظاهراً به عنوان یک ارزش مستقل مطرح است و به نظر می‌رسد که روسیه این مناسبات را فدای سایر اهداف سیاست خارجی خود نخواهد کرد. همکاری با ایران در زمینه انرژی هسته‌ای که در چارچوب عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای صورت می‌گیرد، در همین راستا ارزیابی می‌گردد و بدیهی است در تصمیم‌گیری روسیه منافع کلی این کشور مدنظر می‌باشد. در این زمینه روسیه تاکنون هرگونه سیاست انزوا، اعمال تحریم و فشارهای سیاسی و روانی را محکوم کرده است.<sup>۱</sup> فروش راکتورهای هسته‌ای آب سبک به ایران به عنوان یکی از عوامل اصلی در روابط روسیه و آمریکا مبدل گردیده است. در چنین شرایطی، روسیه با تأکید جدی بر شیوه‌های بهره‌گیری مسالمت‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای و عضویت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی، تعهد این کشور به رعایت مقررات آن و آمادگی برای بازرسی‌های متناوب این سازمان را دلیلی برای درستی سیاست همکاری خود دانسته است، آمریکا نیز متقابلاً تلاش پیگیری انجام داده تا رهبری مسکو را متقاعد سازد این همکاری سبب دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خواهد گردید و به نوبه خود امنیت روسیه را نیز مورد تهدید قرار خواهد داد. در هر حال اگرچه در این جریان دولت روسیه اعلام کرد برای اجتناب از تیرگی روابط با آمریکا از همکاری در تمامی زمینه‌های هسته‌ای با ایران خودداری خواهد کرد ولی کلیتاً از این مذاکرات انتظار فراتری داشت.

به هر حال نباید فراموش کرد که مهمترین دستاورد مناسبات ایران و آسیای مرکزی با وجود فشارها و مخالفت‌های آمریکا، تأثیر آن بر اصلاح ساختار سیاست بین‌الملل و شکل کلی روابط میان کشورهاست. عدم تمکین این کشورها در برابر فشارهای وارده به منظور تغییر روند مناسبات با ایران و عزم راسخ ایران از سوی دیگر بر این اصول مسلم در قواعد رفتار

۱. الهه کولایی، «روسیه، غرب و ایران»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۷۴.

بین‌المللی تأکید کرد که:

۱. هیچ کشوری نباید به خود اجازه دهد در مورد مصالح ملی دولتها آن طور که خود تشخیص داده و به آنها مربوط می‌شود دخالت نماید.
  ۲. هر دولتی آزاد است با هر دولتی که بخواهد و تمایل متقابل وجود داشته باشد مناسبات شایسته برقرار سازد و سایر دولتها حق منع آنها از داشتن چنین مناسباتی را ندارند.
  ۳. دولتها، آزادی هر نوع همکاری با یکدیگر را تا وقتی که با قوانین و مقررات بین‌المللی مغایرتی نداشته باشد، دارند و در این زمینه هیچ کشوری نمی‌بایستی آنها را به بهانه‌های واهی و برای پیشبرد اغراض خاص از چنین همکاری‌هایی منع نماید.
- با توجه به دلایل بالا و با شکل‌گیری مرحله نوینی از روابط بین‌کشورهای منطقه و با عدم پذیرش استدلالهای بی‌پایه ایالات متحده و عدم تمکین به فشارهای آن کشور در صحنه بین‌المللی، کشورهای منطقه اجازه ندادند چنین رویه غلطی برخلاف اصول بین‌الملل رایج گردد و این برای جامعه جهانی پیروزی مهمی است که راه را برای هرگونه تحکم‌گرایی و سلطه‌جویی در روابط بین‌الملل سد می‌نماید. آنچه منطقه نیاز دارد همکاری گسترده میان کشورها و کمک در راه ایجاد امنیت سیاسی و اقتصادی برای بهبود هرچه بیشتر وضعیت است. موازنه منافی که باز در آن بحث نفع دولتهای قدرتمند مطرح بوده و مصالح کشورها نادیده گرفته شود، مورد پذیرش کشورهای آسیای مرکزی نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی